رفقای کمیته مرکزی !

با سلام و درودی رفیقانه سخن آغاز می کنم، البته آنقدر مطلب هست که نمیدانم از کجا و از چه مقطع زمانی شروع کنم. در هر صورت از زمان قطع ارتباط خودم در سال ۶۲ شروع می کنم که به ابتکار خودم انجام دادم و عملی یکطرفه بود، و البته علت اصلی آن حاد شدن شرایط سیاسی و اختناق شدید ستم گستری و ضربه شدید به حزب توده در سال [illegible] و مقدار زیاد گرفتاریهای شخصی و خانوادگی و [illegible] بود. البته این را هم باید [illegible] که اگر من منتظر هستم برای من مجازاتی تعیین کنید ولی بعدها متوجه شدم که [illegible] نکرده ام و گرنه شاید حالا آنرا نبود تا که [illegible] رفقای عزیز نامه بنویسم. این سه ساله هم کانالی نداشتم که با آن تماس بگیرم ولی خوشبختانه الان می توانم درد دلهایم را برای شما بنویسم.

رفقا اوضاع سیاسی و اجتماعی ما در حال حاضر طوری که مطلع هستید با اختناق و سرکوب شدید همراه است و اقتصاد هم که به نابودی کشیده شده است و گرانی و تورم بیداد می کند، و در [illegible] طبقه کارگر و دهقان و قشر کارمند و خرده بورژوازی متوسط زیر مصائب اقتصادی خرد شده اند و [illegible] اقتصادی آنها روز بروز کمتر می شود. بعد از تمام بمبارانها و در سال ۶۵ [illegible] کشته و موشک بر[illegible] اخیر که از ۱۹ اسفند آغاز شده می توان گفت که نقطه عطفی در تاریخ سه ساله اخیر است و چرخ های ماشین حکومتی روز بروز سست تر و مردم نسبت به حکومت بدبین تر و دروغ آنها را کسی باور ندارد. و هم چنین می دانید که عده ای هم از گروه [illegible] (نهضت آزادی) را مدام پیش گرفتند یعنی حکومت دیگر هیچ گروه مخالفی را نمی تواند تحمل کند حتی اگر از خودشان هم باشند. تضادهای حکومتی هم که روز بروز اوج می گیرد و حتی از جریانات اصفهان و خمینی که و اعتراضات مردم نسبت به موشک پرانی ها اطلاع دارید، و حتی در اصفهان برای [illegible] با گرفتن تضادهای درونی خودشان حالت حکومت نظامی به خود گرفت. در تهران هم چند مورد اعتراض گروهی در هنگام موشک زدن به تهران در خیابان رضائی بلوار استاد معین و پارک نازی آباد داشتیم ولی متأسفانه این اعتراضات همه تا بحال بعلت عدم تشکل و سازماندهی و اتفاقی سرکوب شده است و مردم بعلت [illegible] تشکیلات و رهبری منسجم نمی توانند در این امر پیگیر باشند. در حال حاضر وضع اقتصادی بسیار نابسامان است و گرانی و تورم کمر مردم بیگناه این مملکت را خرد کرده و در نتیجه عوامل و برخوردهای اجتماعی مردم بسرکار آمدن حکومتی مثل زمان شاه معدوم هم [illegible] بنظر میرسند، که این دیگر خیلی بدبختی است. اوضاع فرهنگی هم نابسامان تر همه جا است. معلمین تازه کار بیسواد و کم سواد وضع تحصیلی را بجائی رسانده که هر ساله تعداد زیادی از دانش آموزان تجدید می شوند. وضع کنکور دانشگاه ها هم همینطور هر سال بیشتر از ۷۰٪ از کنکور سراسری سهمیه ای هستند که این باعث افت تحصیل و ضعف فرهنگی شدید در دانشگاهها شده است و دانشجویان سهمیه ای بیسوادترین و بی استعدادترین هستند و مضحک الطرف اینکه به جبهه میروند امتیازات زیادی می گیرند مثلاً دو بار یا بیشتر می توانند درس مردود شده را امتحان بدهند یا درس را نه [illegible] و بگذرانند برای ترم های بعد. کارخانه ها هم در حال حاضر دچار کمبود مواد هستند و در حال حاضر اکثر کارخانه های ماشین سازی و [illegible] به تعطیل کشیده شده است و کارخانجات بزرگ که می توان گفت دومین صنعت کشور بعد از صنعت نفت است راندمان تولیدشان به کمتر از ۵۰٪ رسیده و کارخانجات و کارگاههای کوچکتر [illegible] حال تعطیل هستند. از کارخانجات ایران خودرو در سال ۶۴ و ۶۵ حدود ۲۰۰۰ نفر از کارگران را اخراج کرده اند. بطور خلاصه زندگی مردم بیشتر از راه واسطه گری و کار کاذب می گذرد. حتی قشر تحصیلکرده هم به بیکاری کشیده شده است، چون درآمد ناچیز حقوق ماهانه کارمندی کفاف اجاره خانه و تورم و گرانی و احتیاج ضروری زندگی را نمی دهد. برخورد مردم نسبت به نمایش ها و فرمایش هم در جریانات موشکی جالب بود و مردم عملاً ثابت کردند که این رژیم ستم پیشه را نمی خواهند.

حال می خواهم با اطلاعاتی که در مورد کار رفقا و سازمان کسب کرده ام چند کلمه ای هم با شما و وضع سازمان خودمان صحبت کنم. حتماً می دانید در چه مورد است. از اولین پیش نویس برنامه سازمان استنباط هائی داشتم که برای شما می نویسم! اولاً در مورد انحراف راست سازمان در سالهای ۶۰ و ۶۱ و مطرح کردن شعار اتحاد و مبارزه که کاملاً [illegible] است ولی رفیق نگهدار باید کاملاً آنرا باز کند و تحلیل های بیشتری از سابقه سازمان و حزب توده و ضربه شدید به حزب در سال ۶۲ و ضربه ای که بعد از آن در سال ۶۵ به [illegible] خورد بمیان آورد و بیشتر بررسی و تحلیل کند. در یک خط اشاره به چنین موضوع عمیق و قابل بحث بنظر من برخوردی منطقی و اصولی نیست، و در ثانی برخورد وابسته سازمان از خودش باید صادقانه و برای همه مردم و توده ها گویا و روشن باشد. چون سازمان هنوز هم در دل توده ها جا دارد و اگر ناصادقانه و مانند حزب توده بخواهد مسائل را براحتی توجیه [illegible] و از کنار آن بگذرد زیر سئوال تاریخ و مردم خواهد رفت و آنوقت است که دیگر در بین توده مردم جائی نخواهد داشت.

مسئله دیگر در مورد بینش [illegible] است که البته رفقای عزیز شما از ما در داخل خیلی باسوادتر و پر معلوماتتر هستید، ولی بجان تنها دختر عزیزم درست است که مسائل [illegible] باید پیش برود و این خودش تکامل است و برخورد عقاید هم لازم است ولی رمز موفقیت ما در ایران در حال حاضر اتحاد و همبستگی و ایجاد تشکیلاتی پولادین و آهنین است [illegible] بتوانیم با سد عظیم دیکتاتوری قرون وسطائی مطلقه ولایت فقیه مبارزه کنیم. رفقا من فریاد میزنم از ته قلبم، از جگرم، از همه وجودم و با تمام وجود که رفقا ما در ایران تشنه اتحاد و وحدت تشکیلاتی هستیم و مردم و توده ها در صف های طویل بر سر نان و گوشت و تخم مرغ و ضروریات اولیه زندگی دست بگریبان اند و بحث ها در این حول و حوش است. البته ناگفته نماند که توده مردم در اثر انقلاب دارای فکر سیاسی شده اند ولی [illegible] استدعای عاجزانه دارم سازمان را شقه شقه نکنید. ما احتیاج به [illegible] برنامه ریزی دقیق و رفتن به داخل توده ها داریم [رجاء افکار خارج از کشوری نشوید چون این بنده سراپا تقصیر هم مدتی خارج از کشور بوده ام و می دیدم که رفقای آنجا بحث های بزرگ [illegible] و چه بحث ها هم داشتند]. البته در این قسمت روی سخنم با رفقای هوادار و کمیته ها بود. رفقای کمیته مرکزی من از داخل ایران با شما حرف میزنم [illegible] توجه فرمائید. از اختناق قرون وسطائی که جوانان و رفقای ما در زندانها و سیاهچال های آن بسر می برند با شما حرف میزنم. البته بنظر من می تواند اختلاف نظر هم در سازمان باشد ولی جدا شدن از همدیگر و تکه و پاره شدن از هم هیچ مشکلی را حل نمیکند کما اینکه ضربه دیگری هم خواهیم خورد، همانطور که تا بحال خورده ایم.

با درکی که من دارم اختلاف چندانی بین دو بینش نیست که شما رفقای بزرگوار نتوانید آنها را حل کنید. با آگاهی که من [illegible] از اوضاع داخلی دارم مناسبات فئودالی در ایران از زمان اصلاحات ارضی شاه و حکومت آن معدوم تغییر کرده و دیگر گسترده نیست و با آمار [illegible] موجود مناسبات کالائی و جنس به جنس نیست و مناسبات سرمایه داری وابسته و تا حدودی فرهنگ آن تا اعماق روستاهای ما هم نفوذ کرده است و در مورد نوع حکومت هم رفیق نگهدار باید بیشتر مشخص می کردند. و فکر می کنیم که دیگر راه رشد غیر سرمایه داری در کشورهای جهان سوم زیر سئوال رفته باشد و

[illegible] خلاصه سخن [illegible] امیدوارم رفقا در [illegible] آینده به ایجاد وحدت کامل [illegible]

[illegible]

[illegible] هیچ گروهی [illegible]

[illegible] مقصود [illegible] رهبری طبقه کارگر [illegible]

[illegible]

با آرزوی موفقیت و پیروزی

[illegible]

۳۰ مرداد ۶۷

[illegible]